

فعالیت‌های هیئت‌های میسیونری فرانک در ایران دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه

قاجار؛ مورد مطالعه: منطقه ارومیه^۱

باقرعلی عادل‌فر^۲

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

چکیده

در منطقه ارومیه با نواحی شهری و روستایی چون سلماس و خوی، در دوره قاجار جمعیت زیادی از عیسویان بومی نصارای ایرانی (آشوری-ها) و عیسویان ارمنی زندگی می‌کردند. به‌علاوه این نواحی در مجاورت با مرزهای مسیحی‌نشین روسیه و عثمانی قرار داشتند. در این پژوهش باتکیه بر اسناد و مدارک موجود در آرشیوهای اسنادی، به‌ویژه مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی و گزارش‌های کشیشان فرانک، دگرگونی‌های جامعه مورد هدف مبلغین و شیوه تبلیغ در دوره مورد بحث پاسخ داده شده و چگونگی سبقت هیئت‌های پروتستان آمریکایی از میسیونرهای کشورهای دیگر اروپای غربی در جلب نظر هیئت حاکمه، جامعه نصارا و ارامنه ایران مورد بحث قرار گرفته است. نتیجه بررسی این داده‌ها از اسناد و گزارش‌ها حاکی از آن است که هیئت میسیونری آمریکایی در طی نیم‌قرن (از ۱۸۴۵ تا ۱۸۹۵م) با تلاش در به‌کارگیری شیوه‌های نوین آموزشی، ایجاد مدارس پسرانه و دخترانه در شهرها و روستاهای ایالت‌های شمال غربی ایران، به‌ویژه در حوزه جغرافیای ارومیه و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و ارائه خدمات مالی و درمانی در جوار کلیساها، در قیاس با نمایندگان هیئت‌های تبلیغی و ارتدوکس‌های روسی به نفوذ بیشتری دست یافتند.

کلیدواژه‌ها: نصارا، پروتستان-های آمریکایی، ارتدوکس-ها، ارامنه، کلیسا، قاجار.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵

۲. رایانامه: adelfar@hum.ikiu.ac.ir

مقدمه

تا زمان تأسیس حکومت صفویه در آغاز قرن دهم قمری / شانزدهم میلادی پراکندگی اقلیت‌های عیسوی نصارا و ارامنه را در جغرافیای شمال غربی ایران به‌ویژه آذربایجان تاریخی آن دوران می‌توان مشاهده کرد. اولین نشانه‌های تغییر در جغرافیای مذهبی مسیحیان بومی منطقه، با ورود فرقه عیسوی کاتولیک دومینیکن‌ها و فرانسیسکن‌ها در قلمرو ارامنه نخبه‌ان، از سال ۱۳۳۰ م / ۷۳۱ ق، دیده می‌شود (اسناد پادریان کرملی، ۱۳۸۳: ۱/ ۲۷۶). اکتشافات جغرافیایی و شکل‌گیری جریان استعماری در آغاز قرن شانزدهم میلادی، ورود هیأت‌های مسیونری کاتولیک و پروتستان، به همراه قوای نظامی - سیاسی به کشورمان را تسهیل و سرعت بخشید. فرقه‌های کاتولیک، آگوستین‌های پرتغالی و کارملیت‌های اسپانیایی، کاپوسن‌ها و ژوزئیت‌های فرانسوی و پروتستان‌های انگلیسی با حضور خود در ایران با هدف ایجاد تغییراتی در دین مسلمانان نه تنها موفقیتی کسب نکردند، بلکه در میان فرقه‌های مسیحی بومی (نسطوری و ارامنه) نیز با اقبال چندانی مواجه نشدند (2/650-700 A Chronicle of Carmelites, 1939). اما فعالیت فرقه‌های عیسوی با وجود فراز و نشیب‌های حکومت‌های مرکزی در ایران با رویکرد متفاوتی ادامه یافت.

از آغاز قرن نوزدهم میلادی که مقارن با استقرار حکومت قاجار است، روسیه و انگلیس از بازیگران اصلی عرصه سیاسی ایران شدند. غیر از این دو، ممالک غربی دیگری نیز در صدد تأمین منافع خود در ایران برآمدند. برخی از آنها در این دوره برای تأمین منافع خود بسیار کوشیدند. کشورهایی چون فرانسه، آمریکا و آلمان در اوج‌گیری رقابت‌های استعماری از یک طرف بر اهمیت نفوذ خود در ایران آگاه بودند و از طرف دیگر با دو قدرت قدیمی (روس و انگلیس) در فضای ایران مواجه شدند؛ از این‌رو برای پیدا کردن جای پا در ایران به فعالیت در عرصه فرهنگی روی آوردند. بی‌شک یکی از راه‌های نفوذ از رهگذر فرهنگی، اعزام مبلغان دینی به ایران بود تا در مناطق مسیحی‌نشین به فعالیت بپردازند. اقلیت

نصرانی ایران را آشوریان سلماس و ارومیه، ارامنه ارتدوکس و اندکی هم کاتولیک‌های تبریز و اصفهان و کردستان و چند شهر دیگر تشکیل می‌داد. تغییر اساسی در این دوره بر این قرار گرفت که آنان ابتدا در قالب هیأت‌های تبشیری به اعزام هیأت‌های مذهبی میسیونری به ایران اقدام و اعلام کردند که هدفشان از این کار، نه تبلیغ در بین ایرانیان مسلمان که تبلیغ در بین مسیحیان ایران است. به همین دلیل هم دولتمردان ایران با حضور آنان در کشور چندان مخالفتی از خود نشان ندادند.

از نظر جغرافیایی مذهبی آذربایجان، به‌ویژه ارومیه و روستاهای اطراف آن، از دیرباز سکونت‌گاه اقوام مسیحی مانند آشوری و ارمنی به شمار می‌آید. فرامین موجود از امیران ترکمان قراقویونلو و پادشاهان صفوی حاکی از تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های ارمنی و نصاری در منطقه ایروان، نخجوان، قره‌باغ و مناطق ارومیه به‌مانند معمول است (فرامین ماتناداران، ۱۹۵۶: ۱/ صفحات مکرر). آشوری‌ها و کلدانی‌ها دو شاخه از پیروان آیین نسطوری بودند که به‌زعم مسیحیان کاتولیک و حتی پروتستان، انحرافی در دین مسیحیت محسوب می‌شدند. نکته مهم آنکه مسلمانان به‌تمامی مسیحیان به‌عنوان اهل کتاب نگریسته و حضور آنها را در کنار خود به رسمیت شناخته بودند. ارامنه نیز به‌سان آشوریان نسطوری به زندگی در میان ایرانیان عادت کرده و مسلمانان با توجه به متون مذهبی خود و فرامین سلاطین و شاهان، امکان تعاملی قابل زیستی را برای اقلیت‌های اهل کتاب در جامعه اسلامی ایجاد کرده بودند. بر اساس فرمان‌های موجود از جانب حکمرانان ایران در دوره جهان‌شاه قراقویونلو (۱۴۳۵ تا ۱۴۶۷م) و در فرمان ۱۴۷۵م/ ۸۸۰ق، اوزون حسن آق‌قویونلو و جانشینان بلافصلش همانند سلاطین پیشین، نصارا و ارامنه به‌عنوان رعایای پادشاهی قلمداد شدند و کلیه اهالی و حکمرانان محلی می‌بایست در حفظ و رعایت حقوق پیروان آن کلیساها به‌شرط اطاعت از دستورات و آموزه‌های سیاسی حکام، از مالیات‌ها و رسومات مالی معاف شدند (فرامین ماتناداران، ۱۹۵۶: ۱/ ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۴). این روند در تمامی فرمان‌های پادشاهان ایران عصر صفوی تأکید شده است.

(فرامین ماتن‌داران، ۱۹۵۶: ۲/ صفحات مکرر؛ اسناد کشیشان کارملیت، ۶۰-۴۰) حتی در دوره پس از صفویه تا استقرار قاجارها، باوجود افول قدرت مرکزی، و بروز ناامنی در منطقه مسیحی‌نشین توسط اقوام مهاجم لزگی و داغستانی و تعارض به جان و مال پیروان کلیسای محال منطقه و به اسارت گرفتن ۴۵۰۰ نفر از ساکنان روستاها توسط آنها (فرامین ماتن‌داران، ۱۹۵۶: ۴/ ۲۱۲، ۲۰۵) حفظ و ثبات شرایط زیست مذهبی و اقتصادی اقلیت‌های عیسوی بومی ایران در فرمان‌ها و اسناد دیوانی، به طور مکرر از وظایف حکمرانان تأکید شده است. در سال ۱۱۴۸ق، در پاسخ به درخواست خلیفه اوچ‌کلیسا از نادرشاه، در حمایت از رهبران کلیسای منطقه وان و پیروان آن فرمانی با متن زیر صادر شد: «أعوذ بالله. فرمان عالی شد آنکه حسب الاستدعای عمده القسیسی عناصر سیاسین عارض و بنا بر مراعات جانب مشارالیه احدی به هیچ وجه من الوجوه مزاحمت سیاه‌کلاهان کشیشان و خادمان کلیساهای محال ایروان که متعلق به عارض است نرسانیده، چیزی مطالبه و دست‌انداز نمایند و اذیت و اضرار نرسانند و درین باب قدغن لازم دانسته و عهده شناسند» (همان، ۴/ ۲۱۴ - ۲۱۳).

نشانه‌های رسمی، از جمله حکم محمدشاه قاجار و صاحب‌منصبان در تأیید چنین مناسباتی بین حکومت قاجار و رعایای مسیحی به چشم می‌خورد، به ویژه اینکه متغیرات جدیدی در جغرافیای سیاسی و مذهبی که همراه با حضور مستقیم دولت‌های عیسوی در مرزها و مراکز دیپلوماتیک آنها، در پایتخت و شهرهای ارومیه و تبریز و گروه‌های میسیونری توجه به این امر باید به گونه مضاعف باشد (اسنادوخ، ۲گ، ۱۳پ، ۵ک، ۱۲۶۲-۱۲۶۵: ۲گ، ۳۲پ، ۵ک، ۱۲۶۰: ۱گ، ۲۶پ، ۷ک، ۱۲۶۹).

هنگامی که میسیونرها و مبلغان تبشیری مسیحی به ایران بازگشتند، ارومیه از اولین نقاطی بود که آنان در آنجا استقرار یافتند. از میان گروه‌های تبشیری، آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها نخستین گروه‌هایی بودند که وارد ارومیه شدند و بین مسیحیان آن به تبلیغ

پرداختند. در این میان حمایت حکومتگران ارومیه، از جمله ملک‌قاسم‌میرزا (حاکم وقت ارومیه) در گسترش فعالیت آنان موثر بود.

در اثر موفقیت آنان در جلب مسیحیان ارومیه، دولت‌های دیگر نیز به اعزام هیأت‌های مذهبی به ارومیه مبادرت ورزیدند که از آن جمله می‌توان به هیأت‌های روسی، انگلیسی و آلمانی اشاره کرد. فعالیت آنان در این شهر تا آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴م) با شدت تمام ادامه داشت. مبلغان کلیسا در ایران، اقدامات متعددی را در راستای بسط قدرت و نفوذ و منافع دولت متبوع خود، انجام دادند؛ راه اندازی مدارس و چاپخانه در مناطق مسیحی نشین ایران از اولین اقدامات آنها بود و بدین شکل توانستند بخش زیادی از مسیحیان ایرانی را به سوی خود بکشانند؛ این درحالی بود که میسیونرها وضعیت اقتصادی بسیار بدی داشته و به سختی زندگی می‌کردند. با این حال مبلغان از تلاش برای تبلیغ آموزه‌های مسیح و تأمین منافع دول متبوع خود از هیچ تلاشی فروگذار نکردند.

درباره فعالیت مسیحیان و اقدامات آنان در ایران دوره قاجار، کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است؛ از جمله آنها می‌توان به «پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجار» تألیف صفورا برومند، «هنری مارتین» اثر ورا اردلی و «مبلغان مسیحی در ایران» به قلم ویدا همراز اشاره کرد که به بررسی زمینه‌ها و روند ورود مبلغان مسیحی اروپایی به ایران و اقدامات آنان در راستای تغییر کیش مسلمانان، پرداخته‌اند. اما بررسی تغییرات در جامعه هدف و جزئیات به‌کارگیری شیوه‌های جدید تبلیغی در عهد محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجار موضوعی است که تاکنون به‌ندرت در کتاب یا مقاله‌ای مستقل موردتوجه قرار گرفته است. به‌منظور تبارشناسی بحث و درک متغیرات اهداف و شیوه‌های مبلغان با رجوع به آرشیو منتشر شده از سوی کتابخانه ماتناداران و وقایع‌نامه کارملیت‌ها، بازخورد حضور هیئت‌های میسیونری فرانک در ایران از سده پانزدهم تا نوزدهم میلادی اشاره‌هایی شده است. پژوهش حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی، و البته باتکیه بر متون کتابخانه‌ای و اسناد وزارت امور خارجه ایران به موضوع حضور مبلغان در

ارومیه، اقدامات فرهنگی آنان و انگیزه‌های موردنظر در این فعالیت‌ها می‌پردازد. با مطالعه این اسناد و مدارک تاریخی از دوره‌های صفویه و قاجاریه، می‌توان تغییرات جامعه هدف، فعالیت هیئت‌های مذهبی و شیوه‌های تبلیغی آنان را به‌روشنی نشان داد.

جغرافیای تاریخی و اجتماعی منطقه ارومیه

شهر ارومیه با بیش از ۳ هزار سال قدمت، از قدیمی‌ترین اماکن و سکونت‌گاه‌های مشهور در منطقه شمال غرب ایران به شمار می‌آید (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۲؛ کاویان‌پور، ۱۳۴۴: ۱۲۰). در آثار جغرافی‌دان‌ها و مورخان برجسته، همواره اهمیت این شهر موردنظر بود؛ به‌گونه‌ای که مستوفی و ابن‌حوقل از استعداد و رونق مناسب زراعی و تجاری آبادی‌ها و شهرهای اطراف دریاچه ارومیه، و نیز خوی گزارش می‌دهند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۸۵؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۳۴). در نخستین سال‌های قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی، با تصرف ایران توسط تیمور و اعقابش و ایجاد تنگناها و صدمات جدی به نصارای ایران، تغییرات جدی در جغرافیای مذهبی عیسویان ایران (آشوریان و کلدانیان) با تمرکز در آذربایجان و ایالت‌های مجاور آن به وجود آمد. از سده پانزدهم میلادی نیز به سبب همین ویژگی جمعیتی، منطقه شمال غربی ایران میزبان حضور عیسویان اروپایی، از فرقه‌ها و ملت‌های گوناگون بوده است. همین ترکیب جمعیتی، موجب بروز حوادث متعددی، با محوریت مناطق مسیحی‌نشین، به‌ویژه ارامنه و آشوری و کلدانی و حتی عیسویان فرانک شد. به نظر می‌رسد که در دوره جدید، شهر ارومیه بیش از شهرهای دیگر بستر پذیرش بسیاری از نهادهای مدرن شده است. ملیکیان در توصیف شهر ارومیه می‌نویسد: کهن شهر ارومیه در دو سده اخیر به‌عنوان شهری دارای اولین بیمارستان به شیوه نوین، اولین مرکز آموزش پزشکی، اولین مدرسه به شیوه نوین، شهر آب، شهر ادیان و مذاهب و اقوام، پاریس ایران و شهر شادی لقب گرفته است (ملیکیان، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۰).

در موضوع جمعیت کل این شهر در زمان قاجار، در منابع مکتوب آمار و ارقام موثقی در دست نیست. اما مسیحیان ایران را در اواخر دوره سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، بین ۳۰ تا ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده‌اند. بیشتر این مسیحیان در مناطق شمال غربی ایران از جمله ارومیه، خوی، مراغه، سلماس و تبریز زندگی می‌کردند (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده‌ی ۱۳، سند ۶/۲). برخی از نویسندگان همانند جهانگیر قائم‌مقامی، نستوریان یا آشوریان آذربایجان ساکن در نواحی ارومیه، سلماس، خوی و سُلدوز را در اواسط دوره قاجار حدود ۴۵۰۰ خانوار ذکر کرده‌اند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۲۲۷). اما بر طبق ارقام به دست آمده از مجموعه اسناد وزارت خارجه ایران، از جمعیت ۲۵۰ هزار نفر ارومیه و اطراف آن، در اوایل سلطنت محمدشاه قاجار، ۲۵۰۰ خانوار و ۱۰ هزار نفر مرد و زن و طفل مسیحی بوده‌اند که بیشترشان در کارهای رعیتی و پیشه‌وری مشغول بودند (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۲). از آنجا که آشوریان این منطقه ایران، از نظر علمی و فرهنگی و سطح سواد در وضعیت نامطلوبی قرار داشته‌اند، میسیون پروتستان آمریکایی کوشیدند که آشوریان را جذب خود کنند (الدر، ۱۳۳۳: ۹-۱۱). به همین سبب میسونرها به محض ورود به ارومیه، برای خود خانه ساخته و در مدارس کشیشان مشغول تدریس می‌شدند (اسنادوخ، ۱۲۶۱ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، ۶).

فرقه‌های مختلف مسیحی در آذربایجان اختلاف عجیبی با یکدیگر داشتند؛ دوسرسی وقتی به تبریز رسید، به‌خوبی به این تضاد درونی اشاره کرده است (دوسرسی، ۱۳۹۰: ۱۳۳ - ۱۳۲). همچنین دهقان در اثر خود به تنوع جمعیتی، قومی و مذهبی ارومیه در قرن نوزدهم میلادی که شامل ترک، کرد، یهودی، مسیحی، ارمنی و مسلمان (شیعه و سنی) تأکید دارد (دهقان، ۱۳۴۸: ۴۹، ۵۳)؛ بنابراین در چنین فضایی مبلغان مسیحی غربی در این دوره، جامعه مورد هدف را سرزمین‌های شمال غربی ایران با محوریت ارومیه قرار دادند.

زمینه‌های ورود مبلغان مسیحی به منطقه ارومیه و نحوه برخورد با آنها

قاجارها پس از دوره فترت سیاسی داخلی (از ۱۱۳۵ تا ۱۲۰۰ق) و شکست نظامی در دو دوره جنگ با روسیه تزاری، میزبان مبلغان مذهبی مسیحی بودند. آنان در سایه توجه و حمایت دولت‌های متبوع خود به ایران آمدند و به منظور نفوذ فرهنگی و تسلط بر فرق مذهبی عیسوی ایران (نصارا و ارامنه) تلاش کردند. در این میان، جنگ مذهبی داخلی در جریان بوده، بی‌ثباتی سیاسی هم سبب شده بود که فرقه‌های مختلف هر کدام برای ترویج آموزه‌های خود به تکاپو بیفتند. در سوی دیگر نزاع بین اخباریان و اصولیان، جنبش‌های فلسفی و صوفیانه، شیخیه و متشرعه و بعداً بابیه هم چشمگیر بود (حائری، ۱۳۶۴: ۹۱-۸۶؛ الگار، ۱۳۹۱: ۴۹۸-۴۸۷).

همان‌گونه که در سطور بالا اشاره شد، تنازعات مذهبی داخلی در ایران و شرایط ویژه در حوزه جغرافیایی ارومیه، با دارا بودن تنوع جغرافیای مذهبی و هم‌جواری با روسیه ارتدوکس، با ایالت‌های مسیحی‌نشین ارمنی و گرجی سلطان عثمانی، عرصه‌ای برای فعالیت‌های تبلیغی فرانک از کشورهای فرانسه، انگلستان، آلمان و آمریکا در دور استقرار سلطنت قاجار بود. در ادامه این بحث به بررسی اقدامات هیئت‌ها و مبلغان دینی که با نگرشی کاملاً منفعت‌طلبانه و استعماری به امور تبشیری اهتمام داشتند، خواهیم پرداخت.

مبلغان آمریکایی و اقدامات تبلیغی - فرهنگی ایشان در ارومیه و اطراف آن

پروتستان‌های آمریکایی از جمله هیئت‌های تبشیری خارجی بودند که به منظور تبلیغ آئین خود و به تبع آن برای نفوذ در آسیا وارد سرزمین‌های آسیایی شدند. اولین هیئت میسیونری آمریکایی در سال ۱۸۲۷م/۱۲۴۱ق، به ایران اعزام شد. در آن سال، هیئت مرکزی میسیونرهای خارجی که در نیویورک مستقر بود، فردی به نام مریک^۳ را به سوی ایران راهی کرد (همراز، ۱۳۷۵: ۱۷). دو سال بعد، دو نفر دیگر به نام‌های اسمیت^۴ و دوايت^۵ به ایران

3. Merich.

4. Smith.

5. Dwih.

آمدند (موجانی، ۱۳۷۵: ۳۳). این دو پس از سیر و سفر در سوریه، عثمانی و ارمنستان به ارومیه رسیدند و با مسیحیان آشوری ساکن در آن آشنا شدند، سپس برای انجام مأموریت میسیونری با آنان دیدار کرده، به مذاکره نشستند (پسیلسون، ۱۳۶۸: ۲۸).

مطابق روایت کشیشان کارملیت‌ها، پیشینه فعالیت‌های پروتستان‌ها در ایران به دوره اوج قدرت صفویه باز می‌گردد. آنان پروتستان‌های انگلیسی بودند که فعالیت میسیونریشان در دوره شاه‌عباس صفوی (۹۹۶ تا ۱۰۳۸ق) با اقبال چندانی همراه نشد و تنها موفقیت کشیشان آنها به اقدام حکومت ایران محدود می‌شود که برای مقابله با پرتغالی‌ها و اسپانیا و کشیشان فرّق کاتولیک آگوستین و کارملیت در خلیج فارس و انعقاد قراردادهای تجاری بین دو دولت انگلیس و ایران انجام داد (اسناد پادریان کارملیت، ۱۳۸۳: ۲۱۰-۲۰۰). در آغاز دوره قاجار، حکومت ایران به تبع از علمای شیعه، غیر از مذاهب نسطوری (نصارا)، ارامنه، گریگوری و کاتولیک، فرقه مذهب مسیحی دیگری را به رسمیت نمی‌شناخت. از این‌رو خواستار جلوگیری از تبلیغات کشیشان پروتستان مذهب ینگی دنیا برای جذب پیروان سایر مذاهب بود تا از نفوذ مذهب مسیحی دیگری در ایران جلوگیری شود (اسنادوخ، ۱۲۶۹ق: کارتن ۷، پرونده ۲۶، ۴؛ ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، ۴/۱). در استقرار این هیئت و دیگر میسیونرهای آمریکایی در ایران، انگلیسی‌ها، به‌ویژه کشیش ژوزف ولف^۶ که آن زمان مقیم ایران بود نقش زیادی داشت. او در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه، اجازه برپایی یک مدرسه دخترانه را از دولت گرفته، علاوه بر آن، موافقت‌نامه‌ای هم مبنی بر ترجمه تورات دریافت کرد (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

شایان‌ذکر است که در آن سال‌ها تنها شش درصد از مردان ایرانی قادر به خواندن بودند. در چنین شرایطی مدارس پسرانه و دخترانه در این منطقه تأسیس شده است (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۲). ممکن است هدف از این اقدام تضعیف روسیه و مسیحیان ارتدکس آنجا

باشد. هر چند باید به این نکته توجه نمود که در شرایط فرهنگی و مذهبی آن دوره، اقدام به تأسیس چنین مدارس آموزشی در ایران، در جای خود چالشی جدی محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد ژوزف ولف به محض اطلاع از حضور هیئت آمریکایی در ایران، آنان را در راستای تحقق اهداف خود که در توافق با شاه به دست آورده بود، مناسب یافت به حمایت از آنان بپردازد. این هیئت در بازگشت به آمریکا، گزارشی از اوضاع مسیحیان مقیم ایران، به ویژه ارومیه، آماده و به هیئت مرکزی مسیونرهای خارجی نیویورک ارائه کرد که به استناد همان گزارش، اعضای هیئت مرکزی را مصمم ساخت هیئتی را برای استقرار در ایران گسیل دارد. گفتنی است که آنان در بازگشت به کشور خود، یکی از بزرگان آشوری به نام ماریوحن^۷ را به آمریکا برده بودند. این شخص آمریکایی‌ها را در فراهم کردن گزارشی تحت عنوان «پژوهشی در ارمنستان و ایران» یاری کرد. در همین راستا در ۱۸۳۳م / ۱۲۱۲ش، هیئتی به ریاست جاستین پرکینز^۸ به ایران اعزام شد (سیلسون، ۱۳۴۸: ۲۸). پرکینز به محض ورود به ارومیه با مسیحیان ارومیه، و به طور اختصاصی با آشوریان دیدار کرد. او پس از آن مصمم شد که به تأسیس مدرسه‌ای در آن شهر مبادرت ورزد؛ کوشید جامعه مسیحیان نسطوری را که در شمال غرب ایران زندگی می‌کردند، به آئین خود درآورد (واتسن، ۱۳۵۴: ۳۵۱). همچنین همراه همسرش برای پیشبرد اهداف و فعالیت خود به مدت یک سال در تبریز سکونت گزید و زبان آشوری را فراگیرد (الدر، ۱۳۳۳: ۴). کینز در این مسیر از حمایت انگلیسی‌ها برخوردار بود، ولی رقبای قدرتمندی هم داشت که به آسانی نمی‌توانست با آنان مقابله نماید؛ رقیبانی که هم کیش خود وی و از کشورهای آلمان و فرانسه بودند. برای غلبه بر این گروه از رقبا یافتن حامی مستحکم و قدرتمند در بین مقامات ایرانی برای او ضروری بود. به همین دلیل، به تکاپو افتاده، در نهایت موفق شد حمایت ملک قاسم میرزا، حاکم وقت ارومیه، را جلب کند. ملک قاسم میرزا پسر بیست و

7. M. Hana.

8. Justin Perkins.

چهارم فتحعلی‌شاه قاجار بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۲۹)، ضمن اینکه از دوستان فرهنگ غرب نیز بوده، به شش زبان فرانسوی، انگلیسی، روسی، ترکی، عربی و هندی تسلط داشت. از سرسخت‌ترین حامیان برپایی مدارس نوین در ارومیه به شمار می‌رفت. همو در ۱۸۳۴م / ۱۲۱۳ش، نزد پرکینز زبان انگلیسی را آموخته بود (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۲۰۷).

ملک‌قاسم میرزا با داشتن چنین ویژگی‌هایی، رابطه دوستانه‌ای با پرکینز برقرار کرد که متعاقب آن، در ۱۸۳۹م / ۱۲۱۸ش، فرمانی از محمدشاه برای هیئت میسیونری همراه پرکینز، مبنی بر آزادی پروتستان‌ها در تبلیغات مذهبی و نیز تأسیس مدرسه‌ای در ارومیه برای نشر علوم جدید و تربیت جوانان مسیحی و مسلمانان دریافت کرد (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۵۱۳؛ آدمیت، ۱۳۸۹: ۴۳۷). این فرمان به اقدامات و فعالیت‌های تبشیری مسیحیان رسمیت بخشید و بدان‌ها وجهه قانونی داد. اگر پیش از آن، هیئت آمریکایی با احتیاط به ترویج آیین پروتستان بین مسیحیان دست می‌زد، این بار با دریافت فرمان شاه، در تحقق اهداف خود مصمم‌تر بود.

اولین اقدام این هیئت در ارومیه، تأسیس مدرسه بود؛ زیرا ارائه خدمات آموزشی برای ترغیب افراد به آیین مسیحیت اهمیت زیادی داشت. این مدرسه با هدف ترویج مسیحیت در کنار علوم جدید دائر شد. اشاره به این نکته هم حائز اهمیت است که تحصیل در مدارس مسیحی رایگان و شبانه‌روزی بود (همراز، ۱۳۹۱: ۱۸۸). نکته مهم‌تر آنکه پیوند مراکز تعلیم و تربیت سنتی در میان مسلمانان به مساجد، مکتب‌خانه‌ها، زورخانه‌ها و بازار و به سبب عدم اقبال عمومی برای آموزش کودکان، کارایی مدارس جدید را کند می‌ساخت (Arasteh, 1963: 6).

اولین مدرسه تبشیری مسیحی در ۱۸۳۶م / ۱۲۱۵ش، با هفت دانش‌آموز توسط جاستین پرکینز پا به عرصه فعالیت‌های آموزشی میسیونرهای آمریکایی گذارد (الدر، ۱۳۳۳: ۱۱). اما این مدرسه سه ماه بیشتر دائر نبود و بعد از آن تعطیل شد. در دومین دوره بازگشایی این مدرسه، ۵۵ نفر ثبت‌نام کردند که تا چند سال تعداد دانش‌آموزان از این رقم بالاتر نرفت

(احمدی، ۱۳۸۷: ۶). با این حال، پرکینز در راه رسیدن به هدف خود مصمم بود. به همین سبب، برای برقراری ارتباط نزدیک با آشوریان، به پوشیدن لباس آنان و تقلید از آداب و رسومشان مبادرت ورزید. او به این ترتیب موفق شد در میان آنان نفوذ کند (همراز، ۱۳۷۵: ۱۸). سپس به منظور تسهیل ورود فرزندان آشوریان به مدارس دینی، با مشوق مالی خانواده فرزندان دست به کار شد و با تأکید بر اینکه هزینه آنان را تأمین خواهد کرد و خوراک و پوشاک آنان را بر عهده خواهد گرفت، تعدادی از والدین را ترغیب نمود که فرزندان‌شان را در مدارس آمریکایی‌ها ثبت نام کنند (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۷۹). پرکینز گشایش این آموزشگاه را با کار در یکی از اتاق‌های محل اقامت خود، و با بودجه و لوازم شخصی‌اش آغاز کرد. این اولین مدرسه از فرقه‌های عیسوی بود که در ایران تأسیس شد (تمدن، ۱۳۵۰: ۹۷).

اگر چه پروتستان‌های آمریکایی موفق به راه‌اندازی مدرسه شدند، در این راه، موانعی نیز پیش پایشان بود: از جمله آنها بی‌اعتمادی و تا حدودی بی‌اعتنایی آشوریان به پروتستان‌های آمریکایی و اهدافشان، مشارکت فرزندان آشوری‌ها در فعالیت‌های روزمره خانواده‌هایشان در کار کشاورزی که در این باره، یاریگر والدینشان بودند و رفتن هر روزه آنها به مدرسه، آنان را از کار بازمی‌داشت. دلیل دیگر این بود که هر چند آشوریان مسیحی بودند، به سبب تفاوت نگرشی با مسیحیان فرانک، کاتولیک و پروتستان، به آسانی نمی‌توانستند از آن آموزه‌ها دست بردارند. دلیل دیگر شاید اختلاط دانش‌آموزان دختر و پسر این مدارس بود. زیرا شیوه سنت‌گرایان و دولتمردان در مورد مدارس نوین، عدم اختلاط دختران و پسران بود. به همین سبب نیز، مدارس دخترانه‌ای که معلمان آنها مرد بودند از سوی دولت مرکزی تحت فشار بوده‌اند. همچنین کشیشان آمریکایی خواستار اعزام معلمان زن برای مدارس دخترانه بودند (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱۲). سرانجام همسر یکی از اطباء میسیونرهای آمریکایی، به نام خانم گرنت، پس از ورود به ایران اولین آموزشگاه دخترانه میسیونرهای آمریکایی را در ایران به راه انداخت. در سال ۱۸۴۳م، میسیون آمریکایی تأمین مخارج شش دختر برای تعلیم شبانه‌روزی را تصویب

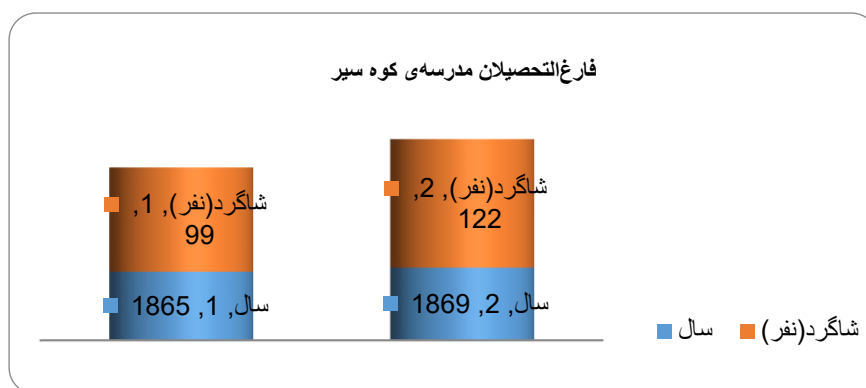
کرد. اما دو ماه پس از شروع به کار این مدرسه، حتی یک نفر هم برای ثبت‌نام اقدام نکرد. این روند کند در ورود دختران به آموزشگاه‌ها و مدارس آمریکایی ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۸۴۵م، از ۴۰ دختر در این مدارس ثبت‌نام به عمل آمد. اما تا چند سال بعد در تعداد آنها تغییر چندانی به وجود نیامد (احمدی، ۱۳۸۷: ۷).

باوجود تلاش مبلغان آمریکایی برای آموزش زنان، در یک بررسی کلی می‌توان گفت که در سال‌های اولیه، مدارس دخترانه مبلغان آمریکایی در ایران با اقبال چندانی مواجه نشد؛ به‌گونه‌ای که تا سال ۱۸۴۵م، حدود ۴۰ دانش‌آموز دختر در این مدارس آموزش دیدند. این مسئله ناشی از محدودیت زنان در مناطق مسیحی‌نشین کشور دارد. با به گزارش آماری که علی‌عسگر (سرپرست مسیحیان ارومیه و سلماس) در ۱۸۹۳م / ۱۲۷۱ق، به وزارت امورخارجه ایران فرستاده، در کل ۵۵ مکتب‌خانه منتسب به میسیونرهای آمریکایی، ۶۲ نفر معلم اشتغال داشتند. تعداد شاگردان حاضر در مدارس نیز ۱۰۸۴ نفر بود که ۷۱۹ نفرشان پسر و مابقی دختر بودند. به سخنی دیگر ۶۶ درصد از آنها را پسران و ۳۴ درصد را دختران تشکیل می‌دادند. این در حالی بود که در برخی از محلات شهر ارومیه مدارس دیگری هم برپا بود. برای مثال در محله «نه‌نه مریم» سه باب مدرسه با ۶ معلم و ۸۰ دانش‌آموز و در محله دیگری با نام «کول فتحعلی‌خان»، یک مدرسه با یک معلم و ۱۶ شاگرد قرار داشت (اسنادوخ، ۱۲۶۹ق: کارتن ۷، پرونده ۲۶، سند ۵). بررسی آمار پسران و دختران مشغول آموزش در گزارش فوق حکایت از تفاوت چشم‌گیری با آماری دارد که در آغاز تأسیس این گونه مدارس ارائه شده است. در واقع این گزارش نشانگر موفقیت میسیون‌های آمریکای در جلب نظر اهالی منطقه برای کسب دانش به شیوه نوین، حتی برای دختران، است.

مدارس روستایی

مبلغان مذهبی آمریکایی در رقابت با کشیشان ارتدوکس روسی و کشیشان کاتولیک فرانسوی، تبلیغات مذهبی خود را نه تنها در شهرها، بلکه در روستاهای مجاور ارومیه نیز، از

طریق تأسیس مدرسه و مکتب‌خانه برای دختران و پسران، با صرف هزینه‌های کلان آغاز کردند. در اسناد و منابع این دوره، چند مدرسه روستایی در مناطق مجاور ارومیه شاخص هستند که یکی از مهم‌ترین آنها «مدرسه کوه سیر» است. در مورد این مدرسه آمده است: در سال ۱۸۴۶م / ۱۲۱۵ق، میسیونرهای آمریکایی مدرسه کوه سیر را در یک فرسخی جنوب ارومیه تأسیس کردند. میسیونرهای پروتستان مذهب آمریکایی شاگردان مدارس مختلف را در طول تحصیل، به‌ویژه در فصول پاییز و زمستان، تحت نظر داشتند. آنهایی را که دارای توانایی بالا در امر یادگیری بودند گزینش و به مدرسه کوه سیر منتقل می‌کردند (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۹/۱). در سال ۱۲۷۱ق، شاگردان این مدرسه که به‌صورت شبانه‌روزی درس می‌خواندند، ۵۴ نفر بودند. سه کشیش پروتستان آمریکایی هم به نام‌های سرکیس صاحب، کاسان صاحب و مشاوران صاحب به‌عنوان معلم در این مدرسه مشغول به کار شدند. نکته مهم این بود که «از ورود هر کسی به مدرسه، حتی مأمور دولت ایران، به هر نحو ممکن جلوگیری به عمل می‌آمد. این مدرسه به حدی امنیتی بود که در منابع دوره موردنظر، از آن به‌عنوان فراموش‌خانه یاد شده است» (اسنادوخ، ۱۲۶۵ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶/۱). مبلغان آمریکایی فارغ‌التحصیلان این مدارس را به سه طبقه تقسیم می‌کردند: معلمینی را که در درجه اول واقع شده بودند و به آنها خلیفه می‌گفتند. آنهایی را که در درجه دوم بودند، قشیه و طبقه سوم را که در رتبه آخر واقع شده بودند، شمسه خطاب می‌کردند. این افراد به‌عنوان معلم در مناطق روستایی، توسط مبلغان آمریکایی به کار گرفته می‌شدند. در اسناد مربوطه، در ارقامی که به‌صورت منظم و سالانه آمده، آماری از تعداد فارغ‌التحصیلان وجود ندارد، با جستجو در لابه‌لای منابع به ارقام محدودی دست یافتیم که هر چند یک‌روند طولانی را برای نگارنده ترسیم نکرد، اما تا حدی گویای مسیر فعالیت مبلغان در ایران است.



شکل ۱. روند رو به رشد فارغ‌التحصیلان مدرسه‌ی کوه سیر که بعدها به خدمت مبلغان آمریکایی درآمدند (الدر، ۱۳۳۳: ۱۲)

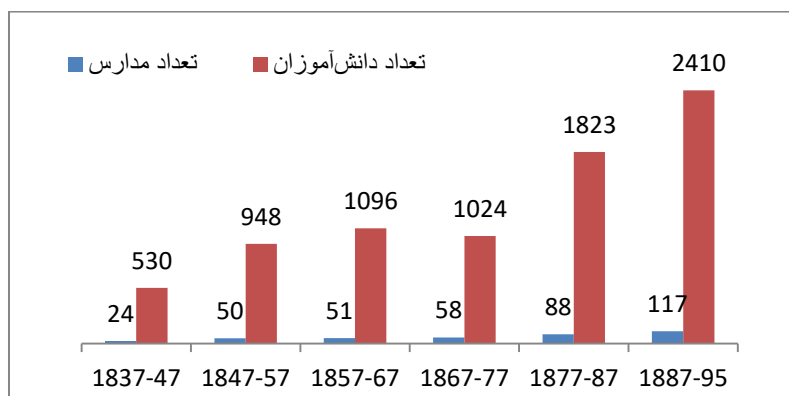
برنامه‌ی روزانه در مدرسه‌ی کوه سیر به این صورت بود: ۱ - نیایش بامدادی ۲ - نماز و خواندن کتاب مقدس و سرود آشوری ۳ - صرف صبحانه ۴ - شروع کلاس‌ها که شامل قرائت قسمت‌هایی از کتاب دانیال، قرائت قسمت‌هایی از زندگانی حضرت عیسی (ع)، آموزش زبان آسوری، فیزیولوژی و انشاء، نوشتن و ستاره‌شناسی، درس جغرافیا، تعلیم عهد عتیق و رساله به زبان عبرانی و یا کتاب داوران ۵ - شام و پرستش شبانه‌گهی و مطالعه (تمدن، ۱۳۵۰: ۹۸). این برنامه و نظم سازمانی نشان می‌دهد که مبلغان با هدف سازماندهی‌شده در راستای تقویت دین مسیح، به ارومیه آمده بودند. در زمان تعطیلی مدارس شهری، تعلیم و تعلم منحصر به همان مدرسه‌های روستایی و مکتب‌خانه‌هایی می‌شد که در خانه‌های مسکونی دایر شده بود. علاوه بر قشه و شمسه، سایر خلیفه‌های ینگی‌دنیا نیز که از بیست سال قبل، نزد کشیشان تربیت یافته بودند رعیت آمریکاییها به شمار می‌آمدند. در سندی که پیشتر از آن یاد شد، نام تعدادی از مهم‌ترین معلمین آمده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: خلیفه یوحنا ساکن قریه ویکاله، قشیه ابراهیم ساکن اردشاهی، شمسه یوسف ساکن قریه ویکاله، شمسه یعقوب ساکن سرقال، حکم یوسف ساکن کولال، شمسه موسی ساکن کوک تپه. اینان اشخاصی بودند که نزد کشیشان ینگی‌دنیا

تربیت یافته، و علوم و مذاهب آنها را آموخته بودند. طریقه و ملیت آنها را اخذ کرده بودند. بدین وسیله هم کشیشان ینگى دنیا به آنها موجب مى دادند. آنها را به دهات مى فرستادند که اطفال و متعلمین را تعلیم نمایند و قواعد مذهب خودشان را شایع کنند. در این مدارس دخترها را درس مى دادند و جمع مخارج آنان را متحمل بودند که برآورد آن، ماهی ۵۰ تومان مى شد. معلمین آنها از زنهای ینگى دنیا و دخترهای مسن بوده، از آنجا آورده مى شدند (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴). در سندی دیگر درباره قریه های اطراف ارومیه، تعداد معلمان و میزان حقوق دریافتی آنان چنین آمده است: «مکتب خانه هایی که در دهات بنا کرده اند خلیفه و قشیه و شمسیه را موجب مى دهند و اطفال و اناث و ذکور را تعلیم مى نمایند و تقریباً ۳۰۰ نفر از آنها اناث هستند.» در ادامه آن آمده است: «قریه ریحان آباد که ۵۰ خانوار است و معلم را ماهی دو تومان موجب مى دهند. قریه بابارو که ۱۰۰ خانوار هستند و معلم را ماهی دو تومان موجب مى دهند. قریه چهاربخش که ۵۰ خانوار هستند و معلم را ماهی دو تومان موجب مى دهند. قریه یوسجیله لو که ۵۰ خانوار است و معلم را ماهی دو تومان موجب مى دهند. قریه ایزج که ۱۰۰ خانوار است و معلم را ماهی دو تومان موجب مى دهند. قریه کولال که ۵۰ خانوار است و معلم را ماهی دو تومان موجب مى دهند» (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴ و ۵).

نکته قابل توجه در این سند این است که در قریه اردشاهی که حدود ۲۰ خانوار هستند؛ چون تعداد کاتولیک ها زیاد است معلم از کشیشان ینگى دنیا در آن وجود ندارد و این نشان دهنده آن است که در مناطقی که کاتولیک ها حضور فعال تری داشته اند، کشیشان پروتستان ینگى دنیا فعالیت چندانی نداشته اند، چون در صورت حضور در منطقه، تصادم و کشمکش درونی بین کشیشان عیسوی مى توانست مشکل آفرین باشد و بهانه لازم برای دخالت دولت مرکزی را ایجاد کند تا از فعالیت آنان جلوگیری شود.

با این اقدامات گام های اولیه برای نفوذ هیئت آمریکایی در میان مسیحیان ارومیه برداشته شد. در اثر فعالیت های این هیئت در ایران، میسیون های نسطوریان در ایران به آن

هیئت داده شد و جاستین پرکینز به‌عنوان کشیش بانفوذ، اداره امور تبلیغی و آموزشی آمریکایی‌ها را در ارومیه بر عهده گرفت. او علاوه بر فعالیت در ارومیه، فعالیت‌های تبلیغی خود را وسعت بخشید و اقدام به اعزام مبلغ به نقاط دیگر ایران از جمله تبریز و همدان، نمود. در سال ۱۸۳۹م / ۱۲۱۸ش، تعداد مدارس آمریکایی در ارومیه به ۱۲ آموزشکده افزایش یافت. یک سال بعد نیز، در ۷۰ دهکده نزدیک به ارومیه آموزشکده دایر شد. هفت سال بعد، شمار این گونه مدارس به ۸۱ رسید که ۵۳۰ نفر در آنها تحصیل می‌کردند (تمدن، ۱۳۵۰: ۹۸ - ۹۷). همان‌گونه که در گزارش‌های مورد اشاره بررسی شد، تلاش تبلیغی کشیشان آمریکایی محدود به شهرها نبود، بلکه در مناطق روستایی نیز فعالیت‌های آنان در جغرافیای وسیعی گسترش یافته است. به‌گونه‌ای که طبق آمار موجود در اسناد این دوره، شمار مدارس و دانش‌آموزان این مدارس در مقاطعی از روند رو به رشد فعالیت آنان حکایت دارد که این موضوع در جای خود درخور توجه است. در جدول زیر پراکندگی شمار مدارس و دانش‌آموزان شاغل در آنها به خوبی نشان داده شده است:



شکل ۲. تعداد مدارس روستایی و شاگردان آن در طول سالهای ۱۸۳۷ تا ۱۸۹۵م (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتین ۵، پرونده ۱۳، سند ۵۴)

این آمار و ارقام به‌خوبی نشان‌دهنده تلاش مبلغان آمریکایی در امر تبلیغ و اشتغال به امور فرهنگی در ارومیه است. برنامه درسی این مدارس بیشتر آموزش مبانی آیین پروتستان و

زبان انگلیسی بود. این برنامه به این صورت اجرا می‌شد: ۱- قرائت / دو ساعت ۲- نوشتن بر روی شن و ماسه و آموختن حساب به وسیله چرتکه / دو ساعت ۳- قرائت کتاب مقدس به زبان آسوری / دو ساعت (پرکینز قبلاً بخشهایی از کتاب مقدس را به زبان آسوری ترجمه کرده بود). ۴- آموزش زبان انگلیسی / دو ساعت (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۴۳). در این مدارس علاوه بر علوم جدید، قالی‌بافی و آهنگری نیز به کودکان آموزش داده می‌شد (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰: ۲۴۱/۱). بنابراین مواد درسی این مدارس با دروس مکتب‌خانه‌های سنتی این دوره تفاوت زیادی داشته است.

جدول ۱. پراکندگی جغرافیایی مدارس و مکتب‌خانه‌های شهری و روستایی پروتستانهای آمریکایی در ارومیه / سال ۱۲۷۱ ق (اسنادوخ، ۱۲۶۹ ق: کارتن ۷، پرونده ۲۶، ۵؛ ۱۲۵۶ ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، ۴/۱)

نوع آموزشگاه	تعداد آموزشگاه	تعداد معلم	تعداد دانش آموز	پسر	دختر
شهری	۵۵	۶۲	۱۰۸۹	۷۱۹	۳۶۵
روستایی	۴۴	۴۹	۸۸۹	۵۸۹	۳۰۰

داده‌های جدول فوق به‌روشنی نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری سازمان میسیونری آمریکا برای فعالیت در روستاهای منطقه ارومیه، موفقیت چشمگیری به دست آورده بود. به‌گونه‌ای که اقبال روستاییان از نظر آماری با جمعیت آماری شهری تمایز چندان قابل توجهی ندارد. به‌ویژه جمعیت آماری دختران روستایی با شهری که اختلاف زیادی بین آنها دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد اقدامات جانبی هیئت‌های آمریکایی در امور پزشکی و در اختیار گذاشتن مشوق‌های مالی در قبال پذیرش تعلیمات جدید و حتی ارائه بورس‌های تحصیلی و اعزام به آمریکا در این رویکرد مؤثر بوده است.

نکته دیگر آنکه فعالیت میسیونرهای آمریکایی تنها به بُعد آموزشی - تبلیغی محدود نمی‌شد. بلکه در زمینه‌های دیگری نیز فعال بود؛ از آن جمله می‌توان به انتشار روزنامه زاریرا دبارا (پرتو روشنایی) در سال ۱۲۶۷ ق، اشاره کرد که به همت آنان و به‌منظور رواج کشت پنبه آمریکایی در آذربایجان (آدمیت، ۱۳۸۹: ۴۳۷) و همین‌طور فعالیتشان در امور پزشکی

و طبابت اشاره کرد. رهبری قسمت طبابت بر عهده دکتر «گران» بود که به‌عنوان نخستین پزشک آمریکایی در ایران به شمار می‌آید. وی در ۱۸۴۸م / ۱۲۲۷ش، و در جریان شیوع مرض طاعون در ارومیه، به مردم کمک زیادی کرد و در جلوگیری از تلفات آن بیماری نقش مؤثری از خود ایفا نمود. مردم نیز به او محبت نمودند و با آغوش باز از وی استقبال کردند. این موضوع به‌روشنی در نامه‌هایی که به آمریکا فرستاده، مشهود است (تمدن، ۱۳۵۰: ۹۸؛ کاویان‌پور، ۱۳۴۴: ۲۳۹، ۲۴۰).

باسمه‌خانه

باسمه‌خانه از دیگر اقدامات هیئت آمریکایی در ارومیه و سلماس بود که در آن آثار درسی و دینی به چاپ می‌رسید. در این اماکن نسخه‌های متعددی از انجیل گردآوری شده بود (اسنادوخ، ۱۲۶۲ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، ۶، ۷). باسمه‌خانه که بعدها با نام چاپخانه سر زبان‌ها افتاد، اولین بار در سال ۱۸۴۰م، وارد ارومیه شد. در اسناد وزارت امور خارجه ایران درباره تأسیس این نوع باسمه‌خانه آمده است: «کشیشان ینگه دنیا چندین سال است در شهر ارومی باسمه‌خانه ساخته‌اند و در آنجا از کتب آن چنان زیاد جمع کرده‌اند و لیکن سال‌به‌سال در آن باسمه‌خانه از کتب دیگر به خط و زبان نصاری از انجیل انطباع می‌کنند» (اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۶).

قبل از تأسیس چاپخانه مشکلاتی چون کمبود کاغذ، کتاب و مداد برای دانش‌آموزان مدارس آمریکایی وجود داشت. به همین سبب برای رفع این مشکل پرکینز، مطالب انجیل را به زبان آسوری می‌نوشت و در دسترس شاگردان قرار می‌داد. اما پس از تأسیس چاپخانه این مشکلات تا حدی برطرف شد. به نظر می‌رسد همین امر در سرعت‌بخشیدن به روند فعالیت مبلغان نیز مؤثر بوده است. گفتنی است اولین کتابی که در این چاپخانه ترجمه و چاپ شد در پیرامون لزوم قلب جدید نام داشت (احمدی، ۱۳۸۷: ۸).

در ابتدا انتظار می‌رفت که تنها کتب مذهبیِ مورد نیاز مبلغین در این چاپخانه چاپ و منتشر شود، اما متن برخی از اسناد گویای آن است که هر ساله علاوه بر کتب مذکور، کتب دیگری هم به زبان آسوری توسط مبلغان آمریکایی چاپ و بین نسطوریان توزیع می‌شد، تا جایی که هزینه چاپ و توزیع آنها را ۴ هزار تومان برآورد کرده‌اند (اسنادوخ، ۱۳۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۴، ۱۲).

در ۱۸۶۹م / ۱۲۴۸ش، با مرگ جاستین پرکینز، نام هیأت از «میسون نسطوریان در ایران» به «میسون آمریکا در ایران» تغییر یافت (اوبن، ۱۳۶۲: ۱۴۵-۱۴۴). به این ترتیب گستره فعالیت این هیأت کل ایران را دربرگرفت. هر چند فعالیت عمده آن در ارومیه و روستاهای اطراف آن شهر بود. با مرگ گرنت، دکتر جوزف به ایران آمد و برای درمان بیماران گُرد و ارامنه در ارومیه، بیمارستان مشهوری به نام «وست منچستر» را در ۱۸۸۲م، با هزینه شخصی کلمنت تأسیس کرد که به عنوان نخستین بیمارستان آمریکایی در ایران شناخته می‌شود (کاویان‌پور، ۱۳۴۴: ۲۴۱). اصولاً هیأت‌های مسیحی پی برده بودند که تبلیغی خلاف باور اکثریت، نه تنها با عقل و عُرْف ایران سازگار نیست، بلکه احساسات عمومی را نیز جریحه‌دار می‌ساخت. بنابراین انجمن‌ها با تشخیص افت گسترده خدمات درمانی، بخش قابل ملاحظه‌ای از فعالیت خود را صرف تأسیس بیمارستان کردند (تشکری بافقی، ۱۳۹۴: ۴۷). از این رو بیشترین بیمارستان‌ها در نواحی غرب ایران به دست مبلغان بنا شده است.

اولین مدارس جدید در عصر ناصری، در نتیجه تحول فکری و آشنایی با نهادهای آموزشی غرب، رشد روزنامه‌نگاری و تحولات داخلی ایجاد شد. در اثر فعالیت‌های این هیئت، در فاصله سال‌های ۱۸۳۵ تا ۱۸۵۱م / ۱۲۵۰ تا ۱۲۶۷ق، آمریکائیان بالغ بر ۵۸ مدرسه در ارومیه و اطراف آن برپا کردند که تعداد ۱۰۲۳ کودک مسیحی و غیر مسیحی در آنها تحصیل می‌کردند (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۱۰۲ - ۹۲، ۵۱۳؛ دهقان، ۱۳۴۸: ۱۴۱). گزارشی که در سال ۱۲۶۹ق، درباره‌ی وضعیت کشیشان آمریکایی تهیه شده، به خوبی از رونق کار آنان در ارومیه و نواحی مجاور آن حکایت کرده، نشان می‌دهد که مدارس متعددی

را در آنجا تأسیس کرده بودند (اسنادوخ، ۱۲۶۹ق: کارتن ۷، پرونده ۲۶، ۱ تا ۳). در این سند فهرست مدارس، محل تأسیس و معلمان شاغل در آنها به همراه دانش‌آموزانی که اکثراً مسیحی بودند، ذکر شده است (همان: ۴، ۵).

باید گفت که این هیئت‌ها بی‌رقیب هم نبوده، همواره با دیگر گروه‌های میسیونری در ارومیه اختلاف داشتند؛ از آن جمله بایسته است به درگیری این هیئت با هیئت میسیونری کاتولیک فرانسوی اشاره کرد. هیئت فرانسوی پس از هیئت آمریکایی به ایران آمده بود، ولی در اثر فعالیت شایسته سفیر فرانسه در ایران، به‌ویژه بعد از عهدنامه پاریس، از حمایت حکومت ایران برخوردار بود، ازاین‌رو در اغلب دعاوی، شاه طرف هیئت فرانسوی را می‌گرفت. بااین‌حال، به علت نفوذ بیشتر انگلیس، بالطبع هیئت‌های پروستان آمریکایی آزادی عمل بیشتری نسبت به آنها به دست آورده بودند. یکی از اختلافات آنها آن‌قدر شدید شده بود که به صدور اولتیماتوم به دولت ایران منجر شد. به این صورت که بعد از نبرد هرات، محمدشاه قاجار، اقدام به اعطای امتیازاتی به هیئت فرانسوی کرد که واکنش هیئت ارتدوکس روسی و پروتستان انگلیسی - آمریکایی را برانگیخت. پس از آن فشارها به دولت مرکزی، به‌منظور کاهش امتیازهای داده شده به فرانسوی‌ها زیاد شد و روسیه هم اولتیماتومی را به میرزا آغاسی فرستاد. مقاومت آغاسی موجب وخامت اوضاع ایران گردید. تا اینکه ملک‌قاسم‌میرزا (حاکم وقت ارومیه) که در آن مقطع بیشتر از فرانسوی‌ها حمایت می‌نمود، از سمت خود معزول گشت و بخشی از اموال کاتولیک‌ها هم در ارومیه به هیئت آمریکایی واگذار گردید (ناطق، ۱۳۸۰: ۱۷۸). در واقع از پیامدهای دیپلماتیک، افزایش فعالیت مبلغان آمریکایی بود که موجب شد تا سال ۱۳۱۳ق تعداد ۱۱۷ باب مدرسه در ارومیه و روستاهای اطراف آن تأسیس شود. مجموع کودکانی که در این مدارس درس می‌خواندند، عدد ۲۴۱۰ را نشان می‌دهد (دهقان، ۱۳۴۸: ۱۴۲). باوجود این، تلاش روزافزون آنان در

عرصه تبلیغ، محدودیت‌هایی^۹ که پیش‌تر نیز در جامعه ایران وجود داشت، شدت بخشید و موجب گردید رقابت با دیگر فرقه‌های مسیحی منطقه و عدم اعتماد کامل آشوریان به آنان به یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت مبلغان بدل گردد.

نتیجه

با آغاز اکتشافات جغرافیایی و ورود هیئت‌های مذهبی به همراه دولت‌های استعمارگر اروپایی به مشرق‌زمین از جمله ایران، فعالیت‌های هیئت‌های تبلیغی همراه با دفاع از منافع کشورهای اروپایی در دستور کار آنها قرار داشت، قصد مطلوب این هیئت در مرحله اول ورودشان تغییر دین و مذهب بومی به کیش سرزمین مادر بود، اما با همه تلاش‌هایی که صورت گرفت علی‌رغم برتری نظامی و بازرگانی موفقیتی در آیین مسلمانان و حتی بیشتر عیسویان نصارا و ارامنه حاصل نشد، چنانچه در گام دوم که با عصر قاجار آغاز شد، در دوره محمدشاه و ناصرالدین‌شاه قاجاری در تاریخ مناسبات و تحولات مذهبی ایران شاهد رویدادهای مهمی بوده است. در این زمان بستری برای ورود و فعالیت مبلغان مسیحی از کشورهای مختلف دنیا از جمله انگلیس، فرانسه، آلمان، به‌ویژه امریکا فراهم شده است. این میسیونرها بعد از ورود به ایران، بیش از همه به مناطق رفتند که بیشتر فرق عیسویان ایران در آنها ساکن بودند. یکی از این مناطق، ارومیه و نواحی مجاور آن بود که مبلغان غیرمسلمان در زمان دو سلطان قاجاری (محمدشاه و ناصرالدین‌شاه)، در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی و رفاهی به فعالیت پرداختند و با هدف پشتیبانی از مسیحیان، و حتی به‌صورت غیرمستقیم

۹. نداشتن آزادی عمل برای چاپ و نشر کتب مقدس مسیحیت در میان مردم منطقه، رقابت با دیگر هم‌کیشان خود شامل ارتدکس‌ها، کاتولی‌کها و کشیشان ینگ‌دینا در این دوره از جمله محدودیت‌های اقلیت‌های مذهبی به شمار می‌رود. آنان حتی مجاز نبودند که ناقوس کلیسای خود را به صدا درآورند. چون دولت مرکزی همیشه بیم آن را می‌داشت که این ایالت‌ها به‌کلی تغییر کیش دهند و هر اقدامی از سوی دولت ممکن بود که به جدایی این ایالت‌ها از دولت مرکزی بیانجامد. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: اسنادوخ، ۱۲۵۶ق: کارتن ۵، پرونده ۱۳، سند ۱ - ۷۰.

به تغییر کیش مسلمانان مشغول به کار شدند. حضور این میسیونرهای مسیحی در نواحی شمال غربی ایران تأثیرات زیادی در دو نوع کوتاه‌مدت و درازمدت داشته است؛ در کوتاه‌مدت موجب اختلاف بین گروه‌های مذهبی مسیحی (درون‌گروهی) از یک طرف و مسیحیان با مسلمانان (برون‌گروهی) از طرف دیگر شد. علاوه بر آن، در روابط دولت مرکزی ایران با مسیحیان نیز تأثیر گذاشت، به این صورت که آنان تحت تأثیر القاءات میسیونرها دست به اقدامات ایدایی زدند و در صدد تهدید تمامیت ارضی کشور برآمدند که ادعای خودمختاری ارومیه از طرف کلدانی‌ها - آشوری‌ها به رهبری ماری شیمون در سال ۱۹۲۰م/ ۱۲۹۹ش از جمله آنهاست.

فعالیت مبلغان آمریکایی در شهر ارومیه تأثیرات مثبتی هم در برداشت. به عنوان مثال به تأسیس اولین مدارس نوین به سبک غربی باید اشاره کرد که متفاوت با مکتب‌خانه‌ها فعالیت می‌کردند. این امر خواه‌وناخواه، در فراهم کردن زمینه برای پذیرش جهان‌بینی غربی نقش بسیار پررنگی ایفا کرد. مبلغان از همان روزهای نخست پی برده بودند که برای تبلیغ آموزه‌های دینی و مذهبی خود و اجرای مقاصدشان، به نهاد مدرسه نیاز دارند؛ بنابراین به محض ورود به ارومیه، نه تنها در شهرها بلکه در روستاها نیز به تأسیس مدارس دخترانه و پسرانه مبادرت ورزیدند که در مقاطعی در اثر حضورشان در ایران، شمار این گونه مدارس به رقم حائز اهمیتی رسید.

بر پایه داده‌هایی که در منابع قابل دسترس وجود دارد، تعداد باسوادان آن روز، به نسبت کل جمعیت عیسویان، بسیار اندک است. اما به عنوان اولین مرحله جنبش آموزش بومیان، نقش زیادی در این زمینه ایفا کرده است. همچنین وجود بیماری‌های مسری و نبود تجهیزات و پیشرفت‌های علم پزشکی در ایران آن روزگار، مقدمات ورود مبلغان را در این زمینه فراهم کرد و با تمرکز بر فعالیت‌هایی از این دست، توانستند وجهه اجتماعی بسیار مهم و والایی را نزد بومیان به دست آورند. آنان به طور رایگان به مداوای بیماران می‌پرداختند. بیمارستان‌های زیادی را نیز به صورت رایگان تأسیس کردند و در اختیار اهالی آن مناطق قرار

دادند که اقداماتی از این جنس در نوع خود موجبات بهبود وضعیت جسمانی مردم (چه مسیحی و چه غیرمسیحی) را فراهم می‌کرد. فعالیت این هیئت‌های تبلیغی در شهر ارومیه تا آغاز جنگ جهانی اول با شدت تمام ادامه یافت. تا اینکه پس از پایان جنگ و برآمدن رضاشاه پهلوی فعالیتشان تا حدودی روبه‌کاهش نهاد. هر چند همین فعالیت‌های محدود آنان تا سال‌های بعد ادامه داشت.

کتاب‌نامه

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۹). امیرکبیر و ایران. تهران: خوارزمی.
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران (اسنادوخ). سال‌های ۱۲۵۶، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۵، ۱۲۶۹، ۱۳۶۱.
- ابن حوقل، محمد (۱۳۴۵). صوره‌الارض. ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احمدی، حسین (تابستان ۱۳۸۷). کوشش میسیونرهای آمریکایی برای جذب نستوریها از دوره محمدشاه تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار. پژوهش‌نامه تاریخ، سال ۳، ش ۱، ۱۱-۲۷.
- اردلی، ورا (۱۳۴۱). هنری مارتین. ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان.
- اسناد پادریان کارملی (۱۳۸۳). به کوشش منوچهر ستوده با همکاری ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
- الدر، جان (۱۳۳۳). تاریخ میسیون آمریکایی در ایران. تهران: نورجهان.
- الگار، حامد (۱۳۶۹). دین و دولت در ایران: نقش عالمان در دوره قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- اوین، اوژن (۱۳۶۲). ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶م. ترجمه و حواشی و اضافات از علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱). پژوهشی بر فعالیت انجمن تبلیغی کلیسا در دوره قاجار. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- تشکری - بافقی، علی‌اکبر (۱۳۹۴). نگرشی بر عملکرد مبلغان پروتستان در یزد. تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، سال پنجم، شماره دهم، ۳۳-۵۹.
- تشکری - بافقی، علی‌اکبر (۱۳۹۱). کارکرد انجمن تبلیغی کلیسا در عصر قاجار. مجله تاریخ ایران، شماره ۱۷/۵، ۱-۳۵.

حائری، عبدالهادی (۱۳۸۷ش). نخستین رویاروئیهای اندیشه‌گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب. تهران: امیرکبیر.

حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴ش). تشیع و مشروطیت در ایران، تهران: امیرکبیر.

حائری، عبدالهادی (۱۳۶۶ش). پیوند تاریخی کیش مسیح با استعمار غرب و نخستین ستیزه‌های فکری اندیشه‌گران ایرانی. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش. ۷۶ و ۷۷، ۲۵۷ - ۲۶۲.

دوسرسی، کنت (۱۳۹۰ش). ایران در سالهای ۱۸۴۰ - ۱۸۳۹م: سفارت فوق‌العاده دوسرسی. ترجمه احسان اشراقی، تهران: سخن.

دهقان، علی (۱۳۴۸ش). رضائیه سرزمین زردشت. تهران: ابن سینا.

کاویان‌پور، احمد (۱۳۴۴ش). تاریخ رضائیه. تهران: آسیا.

عضدالدوله، سلطان‌احمد میرزا (۱۳۶۲). تاریخ عضدی. با توضیحات دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: نشر علم.

قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). مسئله لازاریوها در ایران. بررسیهای تاریخی، سال ششم، شماره ۶، ۲۲۶ - ۲۷۵.

قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۷۷). مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان. تهران: نشر دانشگاهی.

فرامین ماتناداران (۱۹۵۶). به کوشش پاسدرماجیان، ج ۱ تا ۴.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید. ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). نزهة القلوب. به تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.

ملیکیان، هواگیم (۱۳۶۹). دریاچه ارومیه. ترجمه امیل هاکوپیان، تبریز: نیما.

موجانی، علی (۱۳۷۵ش). بررسی مناسبات ایران و آمریکا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ناطق، هما (۱۳۸۰). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران (۱۹۲۱-۱۸۳۷). با مقدمه فریدون آدمیت، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشاراتی معاصر پژوهان.

واتسن، رابرت گرنث (۱۳۵۴). ایران در دوره قاجار. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: سیمرغ.

ویشارد، جان (۱۳۶۳). بیست سال در ایران. ترجمه علی پرینیا، تهران: نوین.

همراز، ویدا (۱۳۹۱). مبلغان مسیحی در ایران از صفویه تا انقلاب اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

همراز، ویدا (۱۳۷۵). میسیونرها و نخستین گام نفوذ آمریکا در ایران. تاریخ معاصر ایران، کتاب دهم، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی (وابسته به بنیاد مستضعفان و جانبازان).

یسلیسون، آبراهام (۱۳۶۸). روابط سیاسی ایران و آمریکا. ترجمه محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.

